

درحاشیهٔ رویدادها

انتخاب فرانسوا میتران به ریاست جمهوری فرانسه آئنده یا ویلی برانت؟

تفاوت دو کاندیدای ریاست جمهوری را توضیح دهد.



انتخاب میتران ریاست جمهوری، در سیاست داخلی و خارجی فرانسه تبعیضاتی بوجود خواهد آورد. این تبعیضات، البته در هیچ حال، تبعیضات بنیادی نخواهد بود و در بهترین حالت، صورت فرمایشی تخیلی خواهد کرد.

از اولین اقدامات میتران، بطوریکه وعده داده است انحلال مجمع عمومی فرانسه که اکثریت نمایندگان آنرا کلیتاً و "صورتخواهان مستقل" (حزب زینگاردرسن) تشکیل میدهد، انتخاب میتران ریاست جمهوری، در واقع پایان عمر "جمهوری پنجم" و قانون اساسی آنست که در سال ۱۹۵۸ توسط ژنرال دوگل با تدکداری شد، رکن جمهور جدید فرانسه، برای بدست آوردن اکثریت در مجمع ملی، چاره‌ای جز این ندارد که قانون اساسی و قانون انتخابات فعلی را تغییر دهد. در قانون اساسی و قانون انتخابات کنونی، علاوه بر دو مرحله‌ای بودن انتخابات (که برای جلوگیری از انعقالات حساب نشده‌ی باطلوب جلوگیری و انتخاب نمایندگان مخالف رژیم یا اکثریت نسبی وضع شده بود)، تقسیم بندی کشوری نیز به نحوی انجام گرفته‌است که اجزای مابند حزب کمونیست و حزب سوسیالیست، حتی اگر بین آن جناح درصدهند از کل آراء فرانسویان را بدست آورند، از اکثریت در مجمع ملی فرانسه محروم باشند. برای روشن شدن موضوع بعنوان مثال میتوان گفت که مثلاً یک شهر ۲۰۰ هزار نفری با اکثریت کارگری یک نماینده دارد، و یک شهر ۲۰ هزار نفری با اکثریت بورژوازی، خرده بورژوازی نیز یک نماینده.

نسخه در صفحه ۱۹

فرانسوا میتران، رهبر ۶۲ ساله‌ی سوسیالیستهای فرانسوی با قریب ۵۲ درصد آراء، ریاست جمهوری فرانسه انتخاب شد. علاوه بر سوسیالیستها، رادیکالهای چپ، افشار صابو، تکنوکراتها، بخشی از افرادی که سناتو کلیتاً با به محافظه کاران رای میدادند، یهودیان فرانسوی و غیره، حزب کمونیست فرانسه، سدیکا کسپای بزرگ کارگری سی. پی. تی. (C.G.T.) و بی. اف. دی. (C.F.D.T.) سازمانهای دموکراتیک و اکثریت قریب متحد اتفاق گروههای متفاوت چپ (که مخالف حزب کمونیست فرانسه‌اند و در مطبوعات بورژوازی و حزب کمونیست فرانسه آنها را Gauchiste یا extreme-gauche - چپ رو یا ماورا-چپ میگویند)، نمایان به فرانسوا میتران رای دادند. به انتخاب میتران ریاست جمهوری، بلکه تفاوت قریب ۲ درصد آراء بین میتران و زینگاردرسن، برای بسیاری از ناظران سیاسی و آشنایان به مسائل فرانسه، تعجب‌آور بود و بعنوان یادآوری باید متذکر شوم که در انتخابات ریاست جمهوری فعلی فرانسه (در سال ۱۹۷۳)، زینگاردرسن فقط با تفاوت ناچیز ۶ دهیم درصد (۵۰/۸۲۹/۲) بر فرانسوا میتران غلبه کرده بود. این دگرگونی، توضیح خود را در یکاترین سببها می‌یابد:

والری زینگاردرسن به هیچیک از وعده‌هایی (که برای جلب آراء بیشتر) در زمینه‌ی بهبود وضع کارگران، کارمندان عادی، بازنشستگان، کشاورزان کم زمین و غیره داده بود، عمل نکرد. علاوه بر این، در مدت ریاست جمهوری هفت ساله‌ی او، مسائلی ممکن همچنان یکی از مشکلات اساسی خانواده‌ای کم درآمد باقی ماند که قریب یک سوم از درآمد آنها را منتهی به فقر خریدارگر - بلبرغم افزایش ظاهری دستمزد، بطور واضحی مرتباً کاهش یافته است. بوم که در سال ۷۳، ۹ درصد بود، در سال ۸۵ بر اساس برآورد سدیکا کسپای فرانسه به ۱۶ درصد رسیده است. تعداد بیکاران که در سال ۷۳ در حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر بود، امروزه به مرز ۱۷۰۰۰۰۰ نفر رسیده است و بزرگترین قربانیان آن، بر اساس قانون سهام سرمایه‌داری، زنان (فرانسوی) بوده‌اند. بر خلاف آنچه ممکنست تصور شود، کارگران مرد فرانسوی بین کارگران خارجی (در فرانسه بینار دو میلیون کارگر خارجی مشغول بکار است) از بیکاری آسیب دیده‌اند. زیرا سرمایه‌داری در رزینهای دموکراسی بورژوازی حتی (و بویژه) در شرایط رکود اقتصادی، کارگران خارجی را راحت‌تر می‌بواند مورد استثمار قرار دهد.

علاوه بر اینها، سببهای زینگاردرسن که در جهت حفظ منافع سرمایه‌داران بزرگ فرانسوی و انحصارات بین‌المللی حرکت میکرد، فقط کارگران و کشاورزان و افراد کم درآمد را بینار بیستاراضی نکرد بلکه بویژه در زندگی افشار صابو ای که در فرانسه تعداد آنها بسیار قابل توجه است، کارمندان، تکنوکراتها و افراد نیمه مرفه نیز تاثر نامطلوبی باقی گذاشت. بریدن بخشی از گروههای اجتماعی اخیراً ذکر از زینگاردرسن، میتواند بیروزی میتران و بویژه رقم چهار درصد

هفته‌نامهٔ

رهائی

نشریه

سازمان وحدت کمونیستی

در حاشیه...

سال دموکراسی را اضافه کرد. بی جهت نیست که شورای قتل از انتخابات ریاست جمهوری، بلوچا و با همه آشکار، از انتخابات مجدد ژسکار دسین حمایت میگرد. ولی حزب کمونیست فرانسه در محمندی عجب سی کبر کرده بود: از یکطرف بهخواست بر خلاف تمام سبیل برادر بزرگ کام بردارد و از طرف دیگر، در شرایطی بود که مطلقاً ممنوع است باشد انتخابات مجمع ملی در سال ۷۸. در سروری نیروهای جداحلال کرده و آنرا به یکسبک کند. تعداد ساروی سال ۷۸ در سال ۸۱ توسط حزب کمونیست فرانسه، یعنی خودکشی سیاسی آن حزب، از جنگ دوم جهانی تا کمون حزب کمونیست فرانسه، در حداقل متوسط، بیست و دو درصد کل آرا، انتخاباتی را در دست دادند است، ولی در دور اول انتخابات ریاست جمهوری، روز هارنه، دسترکل حزب، نتوانست بیست و پنج درصد آرا را بدست آورد و بددیگر سخن حزب کمونیست فرانسه یک چهارم آرا، یعنی خود را از دست داد. چنان امری در دهها انتخاب در طول جهل و تکال اخیر فرانسه هرگز بیسبک نبوده و حتی در بدترین شرایط ممکن، یعنی در انتخاباتی که بلافاصله بعد از نکت حدودت ماه مه ۱۹۶۸ انجام شد، حزب کمونیست فرانسه ۱۹ درصد کل آرا را بدست آورده بود. بهر حال، از دست دادن یک چهارم آرا، بیسی در دور اول انتخابات ریاست جمهوری، یک اعلام خطر بسیار جدی برای حزب کمونیست فرانسه شمار صرفاً.



از احیای نوام با نگرانی آمریکا و شوروی در مورد انتخابات میتران ریاست جمهوری که بگذردیم، نباید اضافه کنیم از یکطرف، رژیمهای سرسدرده میونسو (رئیس) و بونگو (گابون) که از دوستان صمیمی ژسکار دسین بوده اند و بر اغلب مسعرا باقی فرانسه که هنوز سرسره های ژاندارمهای فرانسه به جنابول تروت های بوده های بخروم افریقای مسئولند، از انتخابات میتران احیای خطر کرده اند و حیویتی بولسارووسرجهیک تدافعی جنودی خود را از ریاست جمهوری میتران بلافاصله اعلام داشتند: از طرف دیگر، رژیم صهیونیستی اسرائیل از انتخابات میتران "دوست، قدمی اسرائیلی شدیداً ابراز خوشحالی کرد و بگفت، اولین رئیس دولتی بود که انتخابات را ریاست جمهوری سریک گفت و او را "دوست وفادار اسرائیل" خواند و گفت: "میتران هرگز به اسرائیل پشت نکرد" و افزود: "که ما ریاست جمهوری میتران "دوران روابط نبره فرانسه با اسرائیل (در زمان گلست ها و ژسکار دسین)، با ما خواهد یافت.

کنهی آخر است که: یکی دیگر از جمع جوتجالیان از انتخابات میتران ریاست جمهوری فرانسه، رژیم جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. زیرا که این انتخاب ممکن است (در صورتیکه وعده های میتران عملی شود) در سرور- شت جنگ ایران و عراق تاثیر گذارد، فرانسوا میتران بهنگام مبارزات انتخاباتی (نه البته برای جنگ) سرآز کردن جمهوری اسلامی، بلکه) برای جلب آرا، سرآز نیم میلیون رای دهندگان یهودی، اعلام کرده بود که در صورت انتخاب ریاست جمهوری، همکاری در زمینه های امنی و فروش تجهیزات و بویژه تحویل میراژهای ناآبی مانده به عراق را قطع خواهد کرد. و اگر چنین شود، تاثیر آن بر روی جنگ ایران و عراق، قابل تردید نیست. زیرا که فرانسه، در حال حاضر، علاوه بر تحویل تدریجی میراژهای فوق مدرن، بزرگترین تامین کننده تجهیزات نظامی عراق بشمار میرود. البته در این زمینه مانده

شبهه در صفحه ۱۸

میتران برای شش آوردن اکثریت مجمع ملی بسته بیشتر سیاستهای خود که بدون احراز آن اکثریت هیچک از وعده های اعلام شده او قابل اجرا نخواهد بود، علاوه بر تعمیر ناوهای آبی و فاسیون انتخابات، دو راه در پیش دارد:

۱) با حزب کمونیست فرانسه و گروههای جدا فرانسه ائتلاف کند. سوزده حدود ۲۰ درصد کل آرای انتخاباتی اما ۵ میلیون رای دهنده ای فرانسوی است که بعد از جنگ دوم جهانی تاکنون به حزب کمونیست فرانسه رای میدهند. چیزی است که میتران برای احراز رفورمیهای اعلام شده خود چنانکه آن بسیار خواهد داشت.

۲) با "سارست" ها (بر جرارت سرسین طرفداران آمریکا، حاج راست حزب رادیکال و جمهوری خواهان مستقل) احزاب ژسکار دسین ائتلاف کند و حزب کمونیست (و سر گلست ها) را کنار بگذارد. بهر حال این ائتلاف، وی وعده های اعلام شده را سر نماند فراموش کند.

انتخابات هر یک از این دو ائتلاف را به سوزی در شرایط متحرک کنونی جامعه ای فرانسه متصور نیست. اما در های خود را خواهد داشت و در سیاست داخلی و خارجی جدید فرانسه، اثر خواهد گذاشت.

در زمینه سیاست داخلی، فرانسوا میتران بهنگام مبارزات انتخاباتی وعده داده بود که بازنگارخانه و موسسه عظیم صنعتی و تجاری و سمی از صنایع و کشته های نگه ای خصوصی را ملی کند (از جمله ژسکار دسین تا یک از مهم ترین بانکهای فرانسه، سرجی از صنایع بزرگ نظیر کارخانه ای "رئو" و یعنی از شرکتها و موسسات بخش شرکت های هواپیمایی و از جمله از فرانس، راه آهن ها، شرکت های ایروپراسی شهری و غیره بعد از جنگ دوم جهانی در کاسه ای دوگنل - با شرکت کمونیستها - دولتی شده اند. سوزر را میبار کند، سبک را به حداقل برساند حداقل دستمزد کارگران را افزایش دهد، باغات کشاورزی هنگی را کاشی دهد در حال حاضر باغات کار ۲۰ تا عیب و دو روز تعطیل در هفت است، بر درآمدهای سررگم، مالیات سنگین بسند... توفیق در انجام با عدم انجام رفورمهای اعلام شده، در کزو دو نوع ائتلاف است که بر فوق اشاره کرده ایم.

در زمینه سیاست خارجی فرانسه سر، نوع ائتلاف آمده، نقش مهمی خواهد داشت. بی جهت نیست که دولتهای آمریکا و شوروی، با نگرانی بیشتر و فاسع آمده اند. شوروی به شخص میتران اعتمادی ندارد و این بی اعتمادی وقتی به مخالفت تبدیل میشود که حزب کمونیست فرانسه کنار گذاشته شود و میتران با دوستان صمیمی آمریکا ائتلاف کند. آمریکا از سخن میتران وحشی ندارد بلکه سر او ائتلاف احتمالی آسوده میتران با حزب کمونیست فرانسه است.

فرانسوا میتران هر چند بهنگام مبارزات انتخاباتی در زمینه سیاست خارجی خود، تصویر بسیار روشنی ارائه نداد (تعمداً بخاطر نیاز به ۵ میلیون رای حزب کمونیست فرانسه)، ولی مواضع حزب سوسیالیست و سخن میتران، از سالان دور، روس است که عمده ترین خطوط آن سترج زیر خلاصه میشود:

- همکاری گسترده تر با بازار مشترک اروپا
- شرکت فعال در پیمان نظامی ناو بر خلاف دوگنل که مخالف آن بود و نیروهای فرانسوی را از ناو بیرون کند
- حمایت موثر از اسرائیل
- بر اینها باید مواضع بسیار صریح حزب سوسیالیست و میتران در زمینه لهستان و افغانستان و حملات جدید در این زمینه ها به شوروی (از موضع راست سو-

رژیم حامی سرمایه داران

بخشی از دستمزد کارگران (سود ویژه) را به جیب سرمایه داران سرازیر میکند

سایر زمینه‌ها هنوز زود است. اظهار نظر شود که آنچه را می‌توان یک‌جا ندید و وعده داد، می‌توان رئیس جمهور قادر به انجام خواهد بود یا نه. در این مورد خاص البته فراموش نکنیم که عربستان سعودی، عراق، امارات عربی و کریت تقریباً تمامی نفت وارداتی فرانسه را تأمین میکنند (عراق به تنهایی تأمین کننده‌ی ۲۷ درصد از نفت مورد نیاز این کشور میباشد). باید (با نایابوری بسیار) منتظر ماند و دید که آیا فرانسوا می‌تواند رئیس جمهور میتواند بخاطر اسرائیل (و عملاً بنفع جمهوری اسلامی) از قراردادهای عظیم خود با عراق و کشورهای متحد او چشم پوشی کند، و مهمتر از آن، آیا فرانسه، یک کشور بدون نفت، قادر است که خود را از شریان حیاتیش محروم سازد؟ از هم اکنون البته میتوان سئوالات را طرح کرد ولی پاسخ دقیق آنها را در هفته‌ها و ماه‌های آینده میتوان شنید.

